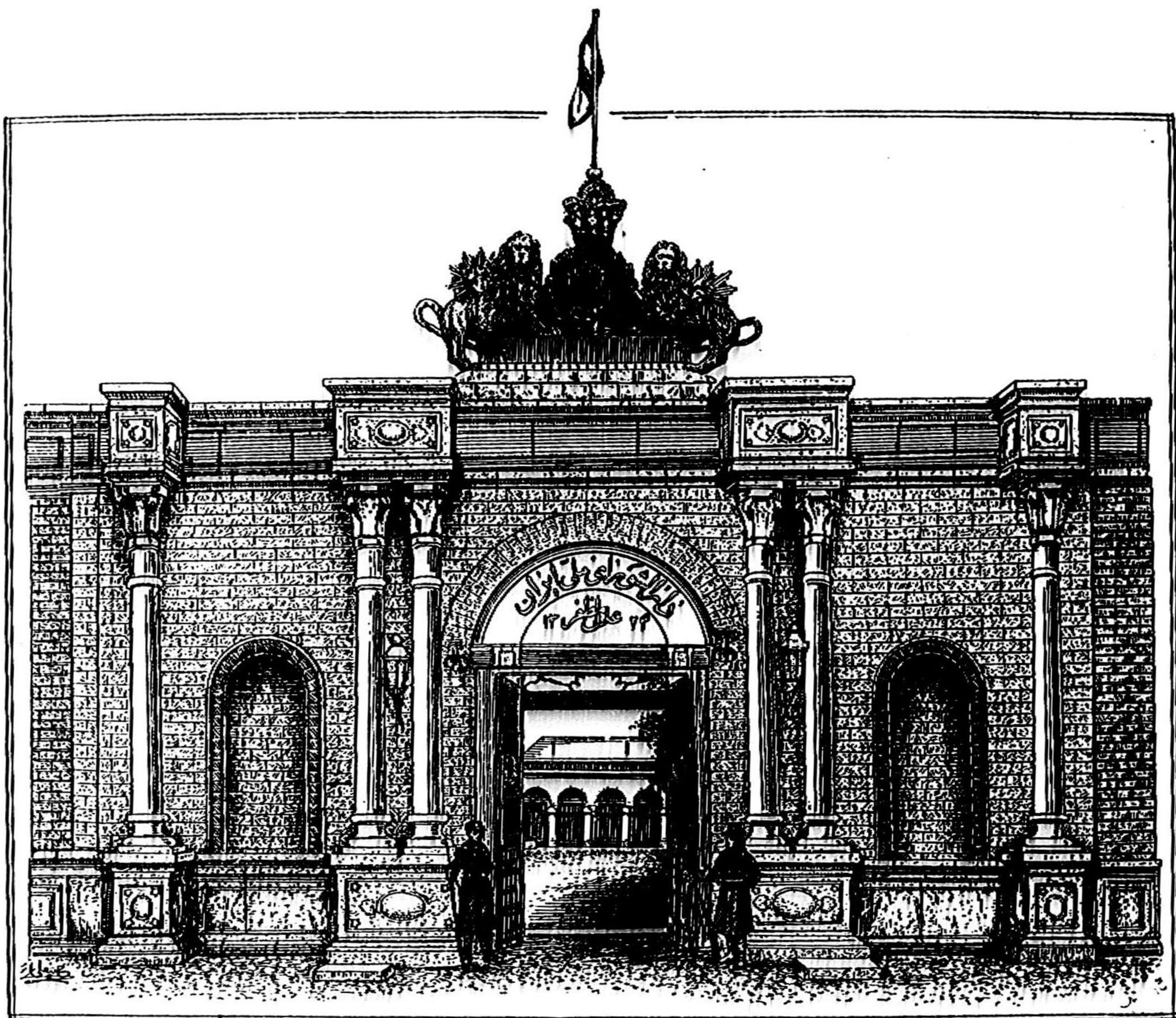


<p>جلسه ۴۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره دهم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ جادی الثاني ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	شور نسبت به خبر کمیسیون بودجه راجع برداشت $\frac{4}{11}$ بودجه مصوبه ۱۳۰۴ برای مخارج چهار ماهه آخر ۱۳۰۵	۱۷۷	۱۸۵
۲	شور کلی نسبت به خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش خالصجات	۱۸۵	۱۹۵
۳	قانون اجازه برداشت $\frac{4}{11}$ بودجه مصوب ۱۳۰۴ بابت چهار ماهه آخر ۱۳۰۵	۱۹۶	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۴۵

جلسه ۴۴

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب -- بنده آروز عرض کردم مطابق
 اصل بیست و هشتم قانون اساسی اخطار میکنم حالا

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست
 آقای ندرین تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یکشنبه ۲۷ آذرماه را
 آقای ضیاء قرائت نمودند)

خواستن اصلاح شود و بنویسند مطابق اصل بیست و هفتم قانون اساسی

رئیس -- در صورت مشروح اصلاح میشود. آقای مفتی

مفتی -- بنده را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده کسالت داشتم و شرحی هم بکمیسریون عرایض عرض کرده بودم

رئیس -- اصلاح میشود.

رئیس -- نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست (گفتند خیر)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد.

بعضی از نمایندگان -- دستور

رئیس -- آقای وزیر مالیه نسبت بدستور فرمایشی دارند

وزیر مالیه -- چون لایحه چهارم دوازدهم در کمیسیون تصویب شده خواستم استدعا کنم که در دستور گذارده شود و در آن باب مذاکره ورأی گرفته شود.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

جمعی از نمایندگان -- خیر

رئیس -- خبر کمیسیون بودجه راجع بچهارم دوازدهم

مطرح است ماده واحد قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحد -- وزارت مالیه مجاز است کلیه مخارج مملکتی را بابت چهار ماهه آخر ۱۳۰۵ اعم از حقوق و شهریه و مصارف و حقوق منتظرین خدمت در حدود چهار دوازدهم و برطبق مواد بودجه مصوبه ۱۳۰۴ کارسازی نماید --

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده استدعا میکنم که مخیر محترم به

بنده جواب ندهند بعلت اینکه مسائلی در تحت این ماده

است و بیشتر از این خرج نکرده اند سؤال کردم کسی هم برای جواب نیامد. حق ما هم فقط در موقع بودجه است که باید سؤال بکنیم که پول خزانه این مملکت بچه مصرف رسیده است و چه نظری بوده است. حقیقه من نمیدانم حکایت چه چیز است که بعد از بیست سال مشروطیت و این همه مسؤلیت و این همه وضع قوانین این عملیات باید بشود. چه خبر است حکایت چیست این هم موضوع وزارت فواید عامه.

اما موضوع وزارت داخله. امر غریبی است آقا مگر در دوره پنجم خودتان نبودید مسئله خوزستان از نظر آقایان رفته است بنده در روزنامه می بینم ثقة المملک را حاکم عراق کرده اند کی کدام محکمه او را تبرئه کرده است؟ کی طاهر شده است کی در تحت محاکمه آمد؟ مسئله خوزستان دروغ بود؟ این مسئله اینقدر اهمیت داشت که شخص اعلیحضرت خودشان رفتند آنجا ثقة المملک حاکم آنجا بود چه شد چه خبر است چه آب طاهری در وزارت داخله هست که هر کس آنجا وارد شد طاهر بیرون میآید اینها چه چیز است این را سؤال میکنم نمیدانم محکمه اش کجا تشکیل شد کی آن را حاکم کرد کی او را طاهر کرد این مسائلی که در دوره پنجم واقع شد و این حکایتی که حقیقه خوزستان از يك بلای مبرمی نجات پیدا کرد دروغ بود؟ اینها راجع بمسئله وزارت داخله است یکی دیگر هم مسئله عدلیه است که برروز بعرض آقایان رساندم پس از آنکه آقای میرزا حسنخان وثوق که مسؤل وزارت عدلیه بودند بمجلس تشریف آوردند دیگر نه وزیر دارد عدلیه نه معارف نه کفیل الان میخواهیم بودجه آن را بدهیم آن کسی که مسؤل ما است کیست آن کسی که از او سؤال بکنیم کیست؟ عرض کردم برروز تلگراف شکایت می کنند از اردبیل که صالحیه آنجا آتش برها کرده کسی نیست جواب بدهد از صالحیه چاپلق شکایت هست از جاهای دیگر هست اینها تکالیفی است که بر حسب وجدان و بر حسب تکلیفی که ما داریم عرض

کردم و میخواهم آقای وزیر مالیه که از طرف تمام وزارتخانهها اینجا هستند جواب بدهند.

یکی دیگر هم مسئله صرفه جوئی. در این دوره آمدند و گفتند که ما میخواهیم صرفه جوئی پیدا کنیم خوب صرفه جوئی ها کجاست؟ وزراء میآیند فلان لایحه را می آورند و میگویند از باب صرفه جوئی خودمان میدهیم مثل اینکه پول از خانه شان آورده اند آنجا گذاشته اند میگویند صرفه جوئی خودمان! صرفه جوئی خودتان کجا بود مال خزانه مملکت است منتهی آمریکائیها آمده اند جلوتان را میگیرند از خانه خودتان آورده آید اینها يك مطالبی است باید در موقع بودجه گفته شود. چون بودجه تفصیلی هم در این دوره نخواهد رسید دیگر بعد از این چهار دوازدهم هیچ موقعی برای صحبت کردن نداریم و هر حرفی داریم سر این چهار دوازدهم است تعقیب بکنید وزراء بیایند جواب بدهند اصلاح بکنند بنده بشما اطلاع دادم دیگر عرضی ندارم

وزیر مالیه -- البته ابرادات نماینده محترم راجع باصل ۱۳ نیست. در حواشی يك فرمایشات و تذکراتی دادند که البته دولت هم باید آن تذکرات را مقتنم بشمرد. آنچه راجع بخود بنده است یعنی در مسئله ارزاق عرض میکنم که وزارت مالیه راجع ببعضی بودجه ها از قبیل ارزاق و بلدییه و اینها در تهیه تدارکاتی است. و يك تفهیشانی هم در اداره ارزاق شروع کرده است که يك بودجه کاملی بطور صحت که منظور نظر وزارت مالیه باشد بمجلس تقدیم کنند و قریباً هم بمجلس خواهد رسید و چند روز است بودجه را حاضر کرده بودند ولی يك تفهیشانی در اداره ارزاق و اداره حمل و نقل لازم بود بعمل بیاید تا يك بودجه صحیحی تهیه و تقدیم بشود. در باب فواید عامه که اظهار فرمودند: البته نسبت براه مازندران هم اگر بعد از تفهیش ملاحظه شود که در آنجا يك قصورانی دارد حتماً وزارت فواید عامه باتفاق وزارت مالیه باصلاح آن اقدام خواهد کرد و بعرض آقایان هم خواهد رسید این معلوم است که راهها

ورقه است و بالاخره همیشه این تك ورق است!! در تمام این مدت در این چند دوره که بنده افتخار عضویت مجلس و نمایندگی را داشته ام بودجه های ما فقط همین یک ورق بوده است. بعد که دوره نمایندگی ما تمام شد و رفتم ممکن است محل که رسیدیم برای استحضار ما مثلاً بودجه را بایست بفرستند. ولی بودجه که ما باید تحت مذاقه و مطالعه قرار دهیم و در حدود اختیارات و اقتدارات نمایندگی خودمان در آن امان نظر بکنیم هنوز چنین بودجه بمجلس شورای ملی نیامده. در صورتیکه این قضیه با نهایت شدت و وضوح مخالف با اصل بیستم قانون اساسی است. بنده برای تذکر خاطر آقایان اصل بیستم قانون اساسی را میخوانم.

اصل بیستم - بودجه هر يك از وزارتخانهها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد. اگر واقعاً این اصل قانون اساسی قابل اجرا نیست؟ که آن یکموضوع دیگری است و آنوقت باید همه اعتراف کنیم که وزارت مالیه، مستشارها، مدیرکل هائی که از خارجه میآوریم و استخام میکنیم با تمام معاوتنهای فکری بالاخره قادر نشده اند که در حدود مقررات قانونی يك بودجه تنظیم کنند. پس باید بفرکر بر آمد که بيك طرز و فورمول و شکل دیگری بودجه را تهیه کنیم و طرز دیگری را قائل شویم که بودجه تهیه شود و نمایندگان بتوانند اداء وظیفه خودشان را در این کار بنمایند. بنده هرچه فکر می کنم می بینم وقتی که يك نماینده نتوانست وظیفه خودش را در این کار اعمال کند و نتوانست در بودجه مملکتی نظر بکند دیگر چه کاری خواهد داشت؟ ما غیر از این کار کار دیگری نداریم هیچيك از کارهای ما با این درجه اهمیت نیست و اهم ترین وظایف ما نظارت در بودجه مملکتی است. تمام این فرمایشاتیکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند آیا واقعاً جوابش همین بود که آقای وزیر فرمودند؟ فرمودند چندین میلیون خرج ارزاق شده است. راهها چه شده است

شاید ایشان يك ارقام و اعدادی را بطور خصوصی بدانند که بنده ندانم بایك ارقامی را بنده بدانم که ایشان ندانند. در هر حال صورت کلی بودجه باید بمجلس بیاید و مجلس در آن حکمیت و قضاوت کند و در مجلس علنی تحت مباحثه و شور در بیاید هر يك از اقلام را وارد دانست رأی بدهد و هر کدام را وارد ندانست رد کند. تشکیل مجلس و جلسات علنی هم برای همین مقصود است و هیچيك از این مراحل بعمل نیامده و متأسفانه همین طریقی که تا کون معمول بوده که بيك دوازدهم و دو دوازدهم رأی داده شود اکتفا شده منتهی حالا چهار دوازدهم پیشنهاد کرده اند. باز اگر يك دوازدهم خواسته بودند بنده شاید بر حسب عادت معمولی رأی میدادم ولی بنده هیچ فلسفه برای چهار دوازدهم نمی بینم و با این ترتیب ممکن است اصلاً در سنه ۱۳۰۶ هم تشریف بیاورند بمجلس و برای سهولت امور شش دوازدهم از مجلس بخواهند و بنام پیشرفت کارها و بنام سهولت کار بدون مطالعه در بودجه بخش دوازدهم اکتفا شود و با این طرز اصلاً بودجه از بین برود. ناحق حالاکه این طور است خوب است در مجلس يك تصمیمی اتخاذ شود و يك طرحی پیشنهاد شود و يك اختیاری بدهیم به کمیسیون بودجه که اقلاً خود کمیسیون بودجه امان نظر در بودجه های مملکتی بکنند. حالاکه ما وسیله نداریم که در آن مطالعه و اعمال نظر کنیم اقلاً کمیسیون بودجه و رفقای ما که در آنجا هستند دقت و امان نظر کنند. اقلاً خوب است آنها این ارقام را تحت نظر بگیرند و اصلاحات لازمه را بکنند. این چهار دوازدهم را که ما رأی مدهیم وجوه صرفه جوئی درش هست. ادارات منحل شده هست. ادارات تاسیس شده هست. تکلیف آنها چه میشود؟ بالاخره هیچيك از این مراتب را ما نمیدانیم. در لایحه معارف هم که چند روز قبل مطرح بود آمد اینجا ما نتوانستیم امان نظر کنیم. یکی از مشکلات تصویب آن لایحه هم همین مسئله بود. بنده یقین دارم آن لایحه را که آورده بودند و تصویبش را میخواستند مخارجش را کرده بودند و تمام

شده بود. منتهی برای تصدیق و ثبت در اینجا آورده بودند طریق امان نظر در بودجه مملکتی این نیست!! این اصولی است که نازه ایجاد شده مخصوصاً این که نازه آورده اند که بودجه منحصر بچهار دوازدهم شود این چیز غریبی است! و با این وضعیت بنده عرض میکنم ممکن نیست در این مملکت هیچوقت مطابق اصل بیستم قانون اساسی رفتار و عمل شود. در صورتیکه یکی از اصولی که در تمام رژیم های پارلمانی معمول و قابل اجرا است همین است که بودجه هر سالی باید قبلاً بمجلس برود تا نمایندگان ملت بتوانند در اقلام آن امان نظر کنند. راجع بارزاق و خالصجات و مخارج انتفاعی و راجع بهمه این اقلام و مخارج هر کدام از ماها بقدری اوراق و اسناد و مدارک داریم که اگر بودجه تفصیلی مطرح بود و آقایان ملاحظه میفرمودند شاید اکثریت مجلس بيك قسمت از آن اقلام را رد میکرد و این زمینه میشد برای آقای وزیر مالیه که بودجه سال آنه را بر طبق ضروریات معین کنند و بيك اصلاحاتی در بودجه سنه آتی بنمایند ولی متأسفانه این اصلاح بواسطه همین رأی بيك دوازدهم میسر نخواهد شد. و با این ترتیب بودجه مملکتی ما اصلاح نخواهد شد و مثل همان بودجه چهار دیواری خواهد بود که در دوره چهارم وضع کردیم باید اعتراف کرد که از اول خود ما حاضر شدیم که بنیان این کار را کج بگذاریم و همین طور هم کج خواهد ماند این بود عرایض بنده.

شیروانی (مخبر) - البته دفاعی را که بلجن دولت باید بشود آقای وزیر مالیه فرمودند و باز هم خواهند فرمود. ولی بنده از طرف کمیسیون مربوطه که مأمور دفاع هستم با اجازه آقایان بلجن یک نفر وکیل جواب عرض میکنم. حضرت والا با اینکه سنشان از بنده کمتر است ولی بيك دوره بیشتر از بنده وکیل بوده اند در دوره چهارم و پنجم تشریف داشتند این دوره هم که البته وکیل هستند و تشریف آورده اند و البته از اوضاع بودجه این مملکت هم قبل از این ادوار بی اطلاع نیستند ولی بنده نمیدانم این قانون اساسی را

در این فصل نواقص دارد که باید اصلاح شود ولی در این مسئله کمال مراقبت دارند و تصور میکنم فروگذار نشود و اخیراً هم همینطور که فرمودند بيك تفیشانی بعمل آمده است و بيك نواقصی دیدند که مشغول اصلاح آن نواقص هستند. و اما راجع بوزارت داخله و عدلیه. البته باید از وزیر داخله تحقیق کنم و بعرض آقایان برسانم که راجع ببنقه المملك چه نظری داشته اند؟ بنده مسبوق بیستم چه نظری داشته اند. اما راجع بمسئله صرفه جوئی که فرمودند: البته صرفه جوئیها در آخر هر سال بعرض مجلس میرسد اما تصور نمیکند که وزراء بگویند صرفه جوئی خودمان. شاید عرض کردند صرفه جوئیهای اداره مان و همینطور هم است بعضی صرفه جوئیهای در ادارات میشود که بعضی مخارج که دولت دارد از باب آن صرفه جوئیها بعمل میآید و بعضی مخارج دیگر را باید بتصویب مجلس برساند که از آن محل داده شود. این است که تصور میکنم در این موضوع برای ما این تذکرات آقایان و آقای آقا سید یعقوب همه صحیح و مغتنم است. ولی این مسائل راجع باصل چهار دوازدهم که حالا آخر ماه است و بایستی پرداخته شود نیست و امیدواریم مجلس راجع باین چهار دوازدهم همانطور که راجع بيك دوازدهم ها مساعدت فرمودند مساعدت خودشان را در دادن رأی مضایقه نفرمایند.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده (برخلاف نماینده محترم که اظهاراتی فرمودند) با اصل چهار دوازدهم مخالفم - علتش هم گمان میکنم خیلی واضح باشد و تصور نمی کنم هیچيك از آقایان نمایندگان تصدیق نفرمایند بعلمت اینکه در این یکی دو دوره که بنده بوده ام و آقایان هم تشریف داشتند و وقتی هم که آقایان تشریف داشته اند و بنده نبوده ام سؤال میکنم که هیچ بودجه از بودجه های مملکتی در حدود قوانین مصوبه و در حدود اصل بیستم قانون اساسی بمجلس آمده؟ بنده تعجب میکنم با این اصول چهار دوازدهم بودجه های مملکتی که با صفحات ضخیم آن که در واقع چندین شبانه روز باید اوقات هر يك از آقایان را اشغال کند فقط منحصر بهمین

در این مدت منادی چطور شده بود که ایشان فراموش کرده بودند! و امروز یکمرتبه و شاید از یکماه قبل یادشان آمده است و بنده برای اینکه ثابت کنم که حضرت‌توالا آن اندازه‌ها نظرشان در این انتقادات بیطرفانه نیست مختصری در تاریخ بودجه یعنی بودجه پارلمانی ایران میخواهم عرض کنم: در دوره چهارم که ایشان هم تشریف داشتند دیدیم که مجلس بالاخره نهایت جدیت را میکرد که این مملکت بودجه پیدا کند. یعنی ایجاد بودجه بنماید. مجلس چهارم تمام جدیت خودش را صرف کرد تا اینکه اواخر دوره همانطوریکه فرمودند توانست موفق شود يك بودجه بیاورد بمجلس. آنهم بودجه چهار دیواری که مدتی مورد تنقید عده واقع شده بود و شاید حضرت‌توالا از مدافعین آن بودجه بودند...

محمد ولی میرزا - خیر بنده همانوقت هم مخالف بودم شیروانی - این راجع ببودجه چهار دیواری در دوره چهارم. اما در دوره پنجم. دوره پنجم هم یکسال را مجلس بر طبق بودجه چهار دیواری يك دوازدهم يك دوازدهم رای داده یعنی بر طبق همان بودجه چهار دیواری بود که اصلا اقلام جزئش بمجلس نیامده بود این مال یکسالش. سال بعد هم در نتیجه جدیت کمیسیون بودجه موفق شد يك بودجه تفصیلی را بتصویب برساند یعنی بودجه تفصیلی بمجلس بیاید و ایشان البته تصدیق میفرمایند که در این عرایضی که بنده میخواهم عرض کنم نمیخواهم هیچ يك از زمام داران وقت یا هیچ يك از مجلس‌های وقت یا کمیسیونها را مقصر بدانم ولی بالاخره يك مملکتی که هیچ چیز نداشته است در عرض این سه دوره پارلمانی موفق شده است باینکه يك بودجه تفصیلی در کمیسیون بودجه اش بگذرد آنهم در نتیجه جدیت کمیسیون امریکائی و سعی کمیسیون بودجه و همین طور سعی مجلس که تعقیب و انتقاداتی کرده اند و باید حقا هم بکنند ولی حقیقه بی‌انصافی نباید بکنیم و اینکه بنده عرض کردم از نقطه نظر کمیسیون میخواهم دفاع بکنم این است که بعرض آقایان میرسانم:

بوظیفه خودمان عمل کنیم یعنی چهار ماه پیش باید بودجه (۱۳۰۶) را بمجلس آورده باشید و طوری بشود که اقلاب بعد از سه دوره پارلمانی ما توانسته باشیم اول يك سالی بودجه آن سال را تقدیم بمجلس بکنیم. در این صورت البته کمیسیون بودجه سال بعد هم موفق خواهد شد که سه ماه زودتر بودجه را بیاورد و کمیسیون بودجه ۱۳۰۸ ششماه بآخر سال مانده این موقوفیت را حاصل خواهد کرد. اما اگر میخواستیم الان داخل بودجه ۱۳۰۵ بشویم برای اینکه تا ما بودجه امسال را تمام نکنیم و زمینۀ بودجه را بدست دولت ندهیم که او نمیتواند بودجه (۱۳۰۶) را بیاورد ما باید این را تمام بکنیم و زمینۀ بدست دولت بدهیم تا بتواند بودجه سال بعد را بیاورد آنوقت ما اگر اینکار را میکردیم باز پنج ماه از سال هزار و سیصدوشش گذشته ناز ما موفق می شدیم که بودجه سال بعد را بمجلس بیاورند و این دور پیدا میشد و ما برای اینکه این دور و تسلسل پیدا نشود این ترتیب را در نظر گرفتیم که الان بنده که خدمت حضرت والا هستم عصر در کمیسیون بودجه مشغول رسیدگی ببودجه (۱۳۰۶) هستم و سوکمیسیونها هم تشکیل شده و مشغول اینکار هستند خود دولت و کمیسیون بودجه هر دو مشغولند که بالاخره یکماه بآخر سال مانده بتوانیم بودجه (۱۳۰۶) را بمجلس بیاوریم و آن نظر مقدس اساسی حضرت والا را که باید مجلس داخل در بودجه تفصیلی بشود بتوانیم انجام بدهیم اما راجع بقسمت ارزاق که فرمودند اگر اسباب تصدیق آقایان نمیشد بنده يك نارنجی از قسمت ارزاق داشتم که می توانستم عرض بکنم انقدرها هم سوابق مشعشعی نداشته. حالاً هم تصدیق میکنم که وضعیت اداره ارزاق خوب نیست ولی ماهنوز داخل بودجه (۱۳۰۶) وزارت مالیه نشده ایم برای اینکه آنها را مکلف کرده ایم که نابودجه ارزاق را بیاورند ممکن نیست کمیسیون دخالت در بودجه مالیه بکند و بودجه شان را بگذرانند. اما راجع براه مازندران. بنده میخواهم وقت را غنیمت بشمارم و يك قسمتی را بعرض برسانم تا ذهانت آقایان روشن شود.

موضوع راه مازندران موضوعی شده است که بعقیده بنده از مجرای طبیعی خودش بیرون رفته است و حالا اگر دولت یا مجلس از روی يك دقتی بخواهد رسیدگی کند و ببیند که در راه مازندران فلان خرج شده یا نشده آن يك موضوعی است ولی مسئله راه مازندران دارد میافتد توی يك سیاست هائی و بنده ولو اینکه این مسائل بر فقهای خودمان هم اصطکاک بکند قضا بآرا میگویی و اگر برادر هم باشد و بخواهد خدمات يك کسی را پایمال کند برای اینکه سیاستش پیشرفت بکند. بنده ملاحظه نمیکنم و مطالب را میگویی. شقایق را در این مملکت و در تمام دنیا بدرستی و صحت عمل شناخته اند در راه مازندران هم دویست و هشتاد هزار تومان خرج شده و مثل راه رشت باز شده. راه مازندران سه ملیون خرج دارد تا مثل راه زرد (؟) که پنج ملیون منات خرج شده است بشود. يك راهی که فقط دیو سفید باید از آنجا عبور بکند حالا اتومبیل عبور می کند. پس نباید بی انصافی کرد و خدمات يك کسی را زیر پا گذاشت. بنده شنیدم کلنل موریس که رفته مخارج راه را که باز نمیدید کرده (آهم از روی مخارجی که در این مملکت میشود) حساب کرده هشتصد هزار تومان معین کرده در صورتیکه شاید اگر در امریکا بود سه ملیون خرج داشت ولی اشخاصیکه در این راه کار کرده اند از روی عشق کار کرده اند. شاید عملیات آنجا دو روز و سه روز نان گیرشان نیامده است و کار کرده اند برای اینکه اعلیحضرت در این قضیه علاقه مند است. وزیر فوائد عامه علاقه مند بوده است. مجلس و وکلاء هم علاقه مند بوده اند و در نتیجه عشقشان زیاد شده است و بالاخره يك راهی را باز کرده اند. بنده تصدیق میکنم که راه آنجا را نساخته اند ولی يك راهی باز کرده اند و باید دو سه ملیون خرج بشود تا راه بشود ولی بی انصافی را هم تصور نمیکنم که بشود کرد وزیر مالیه - اگر چه آقای مخبر مطالب را اظهار فرمودند ولی بنده برای اینکه تصدیق نداده باشم مختصراً

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- هم مخبر محترم و هم وزیر محترم مسئله ارزاق را بطور ساده ملاحظه کردند ولی بقدری این مسئله بفرنج شده و اهمیت پیدا کرده است که اگر وارد شوید و به بینید که اداره ارزاق نسبت ب مردم چه کرده است تعجب می کنید مگر میشود يك حكومتی يك اداره اش اینچور باشد سؤال کرده ام هنوز جواب نداده اند مسئله افت انبار چه چیز است که دولت میگیرد؟ افت انبار یعنی از هر رعیتی که هزار خروار باید وارد انبار بکند هر مأمور مالیه که پنج خروار ده خروار زیاد تر بگیرد باو جایزه میدهند که تو خوب کار کرده یعنی خوب توی سر آن رعیت بیچاره زدی و همچو دزدئی را تحویل من دادی. این مسئله را کجا میشود گفت؟ که وزارت مالیه و اداره ارزاق پول میدهند بمأمور که تو خوب کردی عوض يك خروار بیک خروار و نیم گرفتی؟ این بدبخت رعیت (حالا بدبخت نمیکوم که آقای شیروانی بگوید چرا بدبخت گفتید) این خوش بخت رعیت که با آن الاغ شل میاید درب اداره ارزاق بارش را تحویل بدهد به بینید چه بسر او میاورند تا بارش را تحویل بگیرند! آنوقت در آخر سال هم میآیند میگویند بیایید افت انبار را حساب بکنید هر يك از مامورین انبار که افت زیادتر داشته باشند جایزه دارند این چه چیز است؟! ما چطور میتوانیم بيك اداره که علناً و صریحاً جلو چشم خودمان اینطور تعدی میکند بیاییم جایزه هم بهش بدهیم؟! آقا بروید اداره حمل و نقل را ملاحظه بکنید به بینید (تمام را نمیکوم) غالب اعضاء اداره ارزاق بيك اتومبیل امریکائی دارند (و اتومبیل را هم مخصوصاً باید از آمریکا بخرند) برای اینکه میگویند ما مامور حمل و نقل هستیم. من نمی فهمم این بودجه چه ترتیبی است؟ ما که هیچ اطلاع نداریم و هیچ مستحضر نیستیم بنده عرض میکنم نسبت بمابقی بودجه ها رای داده شود ولی بودجه اداره ارزاق و حمل و نقل باشد

تا آن را فردا پس فردا بیاورند همین آقای شیروانی در دوره پنجم فریاد میزد که حمل و نقل یعنی چه؟ يك بار گرانی است که بمملکت تحمیل شده است این قسمت بماند تا بودجه تفصیلی آن را فردا پس فردا بیاورند تا مادر آن نظر کنیم و به بینیم چه ترتیب واقع شده آنوقت رای بدهیم. چون خودشان هم تصدیق دارند که بودجه تفصیلی اداره ارزاق و حمل و نقل را نیاورده اند پس لااقل این بودجه را گرو بگیریم تا آن را بیاورند. این اندازه را که حق داریم که از حقوق خودمان جلوگیری کنیم و از عملیاتیکه در اداره ارزاق نسبت برعیت بیچاره میشود جلوگیری کنیم

رئیس -- آقای اعتبار.

میرزا سید احمد خان اعتبار -- بنده میخواستم بآقای آقا سید یعقوب عرض کنم که بودجه ارزاق جزو بودجه کل نیست و اساساً يك اعتبار را مجلس داده و از آن محل اعتبار يك مخارجی شده است. یعنی آن اعتبار يك قرضي بوده است که اداره ارزاق کرده است و البته خود آقای آقا سید یعقوب هم راضی نیستند که بودجه ارزاق بماند. برای اینکه اداره ارزاق و حمل و نقل يك قسمت مهمش از مستخدمین جزء و اشخاص بی بضاعتند باضافه در آن تصمیمی که کمیسیون بودجه گرفته که در بودجه وزارت مالیه وارد نشود تا بودجه ارزاق و حمل و نقل را بیاورند بنده تصور میکنم عنقریب بودجه ارزاق و حمل و نقل را خواهند آورد و خاطر محترم آقایان هم راحت خواهد شد و خوبست آقا این پیشنهادشان را پس بگیرند.

مخبر -- عرض کنم بطور کلی همان طور که بنده و

آقای آقا سید یعقوب در کمیسیون بودجه هر دو این عقیده را داریم سایر بودجه های مملکت هم چندان فرقی با بودجه ارزاق ندارد و همه اش تقریباً وضعیت خوشی ندارد و دلیل بزرگش هم همان است که تا حالا جریان داشته و بودجه تفصیلی هر سالی قبل از موقع خودش بمجلس نیامده که

ما کاملاً امعان نظر کنیم ولی حالا شما میخواهید يك قسمت از اداره مالیه مملکت را که مربوط برزق عمومی است آن را از جریان بیدارید آنهم باین وضعیانی که ملاحظه میفرمائید. فرضاً آمدیم ما بودجه حمل و نقل ارزاق را بستیم یعنی وقتی که حقوق باجزایش ندادیم بخصوص بحمال و گاریچی و شوهر و این قبیل اجزا که اغلب آنها روز مزدی کار میکنند نتیجه این می شود که وضعیت انبار و ارزاق از این حالت و صورتی هم که فعلاً هست خواهد افتاد. تا آنجا باید روزی یک مرتبه و بعضی اوقات روزی دو مرتبه از انبار جنس بگیرد و باین ترتیب وضعیت دکانهای خبازی مختل میشود و بالاخره در این موقع که هر روز جزء را برتهای دکتر میلیسپو میخواهیم که انبار ماشنت هفتاد هزار خروار جنس موجودی دارد يك وقت دچار يك قحطی میشویم. و تصور میکنم این ترتیب اسباب اختلال امور معیشتی مردم بشود بنده هم تصدیق میکنم که وضعیت انبار و ارزاق همان طوری است که فرمودند و خود دولت هم گمان میکنم موافق است باینکه باید امعان نظر و رسیدگی کاملی در این قسمت بشود و این هم که آقای اعتبار فرمودند بودجه اداره ارزاق جزو بودجه کل نیست. بودجه دو قسمت است یکی بودجه اداری یعنی همانهایی که آقای آقا سید یعقوب از دستشان داد میزنند و جزء همین بودجه است و یکی هم قسمت خرید و فروش گندم که يك موضوعی است علیحده بنا برین بنده تصور میکنم بهتر این است که آقا این پیشنهادشانرا استرداد بکنند بعلاوه ارقام ثابتی نیست که بشود رای گرفت چون باید ارقام ثابتی باشد تا بتوانند بگویند فلان مبلغ داده شود یا نشود. پس بهتر این است پیشنهاد خود را پس بگیرند و از طرفی هم ما الان مشغول رسیدگی ببودجه ۱۳۰۶ هستیم و دولت هم مشغول است و خود آقای خطیبی هم که در کمیسیون مالیه هستند ضرب الاجل قرار داده اند برای اینکه بودجه ارزاق را بیاورند و گمان میکنم همان ضرب الاجل برای اینکه دولت بودجه آن را بیاورد کافی باشد

عرض میکنم و شاید در آن جلسه ای که اینجا مذاکره میشد شاهزاده غائب بودند با فراموش کرده اند. بعد از اینکه دولت بمساعدت رئیس مجلس و کمیسیون بودجه مجلس این نظر را گرفتند که يك بودجه ثابتی برای آتیه بزودی تهیه بشود بودجه (۱۳۰۴) را مدرك قرار دادند که در واقع بودجه ثابت باشد یعنی این يك بودجه ایست که مجلس قبول کرده و در روی این بودجه يك چند دوازدهمی هم گذشته یعنی مجلس تصویب نموده است این چهار دوازدهم هم روی همان اساس بیاست. و اینکه بودجه هذه السنه را قرار داده اند برای سال ۱۳۰۶ مدرك باشد برای این است که طوری بشود که بودجه هر سالی قبل از آن سال بمجلس تقدیم بشود تا کمیسیون بتواند مشغول مطالعه آن بشود الان هم کمیسیون بودجه هر روز مشغول است سو کمیسیونهای خودشان ترتیب داده و مشغول مطالعه هستند و از طرف دولت هم نمایندگان حاضرند که انشاء الله این مسئله زود تر تمام شود و در هر صورت این چهار دوازدهم از روی يك اساس صحیحی است که مجلس قبول کرده و هشت دوازدهم آنهم تقدیم شده و مجلس تصویب کرده و بالاخره جدید هم دارند که بودجه (۱۳۰۶) هم قبل از سال تقدیم و تصویب شود تکلیف دولت هم معلوم شود و دیگر محتاج بيك دوازدهم و دود دوازدهم هم نباشد. اما اینکه فرمودند وزارت معارف مخارج کرده را آورده است به ثبت رسانند اینطور نیست و بایستی مطمئن باشند که پولی از وزارت مالیه بدون تصویب مجلس بیرون نمیآید و اگر وزارت معارف هم يك کارهایی باعتبار خودش کرده است بدولت مربوط نیست و این را باید مطمئن باشند که وزارت مالیه تا تصویب مجلس نباشد يك پول نمیدهد جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- پیشنهاد آقایان آقا سید یعقوب و خطیبی

قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم بودجه اداره ارزاق و حمل و نقل از ماده اول استثناء شود و به بقیه رای داده شود.

وزیر مالیه - بنده تصور نمیکم آقای آقا سید یعقوب درین مسئله که اظهار فرمودند واقعاً غرضشان این باشد که حقوق يك مستخدمینی که درین اداره کار میکنند داده نشود. البته این تذکرات برای این است که بهتر بوظیفه عمل شود و زودتر بودجه این کار بعرض مجلس برسد. در مسئله ارزاق بنده می بینم خیلی مذاکره میشود و حق هم هست ولی روهم رفته یکی از ادارات لازمه این شهر اداره ارزاق است که اگر نسبت بآن غفلتی بشود تصور میکنم ضررش همه مردم بر بخورد راست است که شاید بعضی از رعایا شکایت داشته باشند ولی از آن طرف چون ارزاق يك مسئله عمومی است و ضعفا شریکند ناچار باید رعایت ترتیب و نظم آن را کرد و بنده هنوز این مسئله را که میگویند در اعتبار اگر افت بگیرند جایزه داده میشود نمی دانم...

بعضی از نمایندگان - این موضوع هست.

وزیر مالیه - حالا عرض نمیکم اینطور نیست شاید برای اجناسی که در يك مواقع سختی پیدا میکنند يك جایزه هائی داده شده باشد اما راجع باین مسئله که هر کسی يك افتی بیاورد جایزه دارد بنده چیزی شنیده ام و مسبوق نیستم البته تحقیق میکنم. در مسئله حمل و نقل که فرمودند، البته باید خود آقایان بدانند که یکی از بزرگترین زحمانی که دولتهای سابق در اوقات مختلفه داشتند راجع بموضوع حمل و نقل بوده است و در قسمت حمل و نقل و تهیه گندم گرفتار چه زحمت ها بودند که باید از شترهای فلان ایل یا از قاضی های فلان جا استمداد بنمایند و کمک بخوانند و بالاخره این مسئله اسباب این بود که کار ناخیر شود و مردم زحمت بیفتند ولی حالا دولت يك اداره ای برای اینکار تشکیل داده بنده هم نمیخواهم دفاعی بکنم ولیکن این اداره که تشکیل داده اند برای اینست که مسئله ارزاق و حمل و نقل حفظ شده باشد و این را هم البته باید کمک کرد و نواقضش را رفع کرد و همانطوریکه عرض کردم بودجه این قسمت بمجلس

خواهد آمد و آقایان هم درش دقت خواهند فرمود ولی فعلا خارج کردن بودجه ارزاق و حمل و نقل از بودجه وزارت مالیه بنظر بنده کلیه اسباب زحمت خواهد شد و برای شهر هم ضرر دارد بنا برین خوبست آقایان لطف فرمایند و این پیشنهاد را مسترد بکنند که اسباب زحمت مردم نشود

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود باصل ماده واحده باورقه
(اخذ رای بعمل آمد)

رئیس - اخذ اوراق رای تمام شد
(تعداد آراء بعمل آمده شصت و دو ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عده حاضر نود و يك با کثرت شصت رای تصویب شد دو رای اضافه را آقایان ورقه از خارج داده بودند و صحیح نیست اجازه میفرمائید تنفس شود
(درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش خالصجات مطرح است. شور در کلیات است.
آقای عباس میرزا

عباس میرزا - قوانین و لوایحی که از مجلس میگذرانیم بعقیده بنده باید دارای سه جنبه باشد یکی جنبه عملی که باقتضای محیط و پیشرفت او مطمئن باشیم که لوایح ازین نقطه نظر معوق نماند در ثانی البته باید حفظ منافع دولت را هم در مد نظر داشته باشیم و در قسمت ثالث باید این لایحه يك آسایش و رفاهیتی برای حال عموم باشد اینطور لایحه با این سه شرط البته هم قابل اجراست و هم بدون تنقید و عایقی پیشرفت میکند ولی این لایحه فروش خالصجات را که بنده مطالعه کردم تصور میکنم

از هر سه شرط خارج است. شرط اول که عملی بودن این لایحه باشد نمایانم از چه نقطه نظر وزارت مالیه که این لایحه را پیشنهاد کرده تصور کرده که بتوسط این پیشنهاد میتوانند يك پولی که مطابق قیمت خالصجات امروزه باشد تهیه کنند. بجرایهای اقتصادی و بی پولی که امروزه درین مملکت حکمفرماست بهیچ وجه بر آقایان محترم پوشیده نیست و هر کدام بنوبه خودشان پشت همین تریبون از وضعیت بد اقتصادی شکایتها کرده اند و این شکایتها هم بیشتر از نقطه نظر عدم فروش عایدات مردم بوده است و حالا در يك همچو موقعی که يك لایحه پیشنهاد میشود که اقلاً مبدیایستی چندین میلیون بلکه سی چهل میلیون عاید دولت بشود درین موضوع باید دو چیز را در نظر گرفت: یکی قیمت خالصجات و یکی استطاعت مردمی که باید بخرند. در قسمت قیمت خالصجات طوریتست که بنده تصور نمیکم در مملکت ایران بشود برای يك عده از خالصجات قیمتی معین کرد مخصوصاً خالصجات اطراف طهران و بهترین املاک مملکت و املاکی که اطراف طهران است متعلق بدولت است و تقریباً سیصد و پنجاه آبادی است که تصور میکنم حدود وسط قیمت آنها ممکن است سی چهل هزار تومان بشود و تخمیناً ممکن است يك قلم دوازده میلیون فقط املاک اطراف طهران قیمت داشته باشد و این را با این شروط و ترتیبی که در اینجا پیشنهاد میکنند فوق العاده دولت ضرر خواهد کرد و يك سرمایه خیلی مهم و معتبری را از دست میدهد. مخصوصاً با این شکایتی که مردم و مخصوصاً خود وکلا يك ساعت قبل از قسمت ارزاق کردند و میکنند فروش خالصجات اطراف طهران مسئله ارزاق را مشکل و فشار را متوجه مردم خواهد کرد و دولت هم چهل پنجاه هزار خروار عایدی مسلم را از دست میدهد. آمدیم سر خریدار باید درست دید که در مقابل این املاک امروزه يك همچو خریداری کجا است در این مملکت الان چندین سال است خرید و فروش نمیشود یعنی پولی در مملکت نیست. این است که بنده

در این مسئله این لایحه را اصلاً عملی نمیدانم در این فروش چون عایدی برای دولت نمی بینم از این جهت نقطه نظر اول را شامل نمی بینم یعنی عملی نیست و اما در قسمت دوم که باید منافع دولت را در نظر داشته باشیم، البته این ملک و این دولت همه یکی هستند دولت هم نمایندگان همین مردم هستند و البته باید همانطور که ما حفظ منافع موکلینمان را میکنیم منافع دولت را هم در نظر داشته باشیم اینجا در مقدمه این لایحه تحت چهار ماده معایب خالصجات را میگوید: یکی اینکه خالصجات دخل و خرجش باهم مطابق نیست و عایدات کم دارد و آن هم مطالباتست، بنده تصور نمیکم اینطور باشد. خالصجات که در این سنوات اخیر همیشه يك منابع کثیری برای دولت بود چه شده که خراب شد؟ آیا خالصه بداست؟ بنظر بنده خالصه بد نیست بلکه نتیجه سوء اداره خالصجات است یعنی مدیر ندارد و الا همین خالصجات اطراف طهران را قدیم اجاره میدادند در چهل پنجاه هزار خروار بچند سر مستأجر و در موقع وصول هم مال الاجاره را میگریفتند. در قسمت ثانی الفاظی ذکر میکنند که مکرر هم گفته شده که دولت تاجر نیست فلاح نیست، چطور است، فلان است در صورتیکه این قضایائی که دولت فلاح نیست، تاجر نیست، گمان می کنم راجع به مملکت ما نیست. اینکه در کتب و در اوضاع خارجه می بینیم که می گویند دولت دخالت کردنش در امور مردم بداست یا فلان است اینها چیز هائی است که در آمریکا و انگلستان صحبت میشود. بجهت اینکه آنها را اگر دولت تاجر و فلاح بدی است بواسطه این است که در مقابلش آن صنایع و آن مذاکرات و گفتگوها است چون يك کمپانی هائی در مقابل دولت هستند از این جهت دولت تاجر و فلاح بدی است ولی در اینجا و در این موضوع بخصوص دولت باید مریی مردم باشد. برای اینکه آیا در ایران شرکت تعاونی و این قبیل چیزها هست؟ قضایائی که در اروپا بفلاح و تجارت توسعه میدهد يك شرکتهای معظم و

از این نقطه نظر باین شتاب و عجله کل خالصجات را فروختن در صورتیکه امروزه بیک احتیاجات مبرمی هم برای این کار نیست صحیح نمیدانم و مخصوصاً ممکن بود برای تأمین ارزاق و برای آنکه بتدریج فروخته شود اقلاد را اینجا پیش بینی میشد که فروشش تا ده پانزده سال طول بکشد یا مقداری از خالصجات اطراف طهران را ازین شرح مستثنی میکردند. آمدیم سر مسئله سوم که باید برای مردم هم بیک آسایش داشته باشد همانطوری که امروز سد تجارت بیک بحران اقتصادی پیش کشیده این لایحه هم بیک بحران اقتصادی دیگری بر اهالی و بر سایر ملاکین وارد خواهد آورد چون دولت و مردم کلاً مالکند یعنی تمام مردم بازملاک ارزاق میکنند یا از حقوق دولتی شوقناکش فقط اصناف این مملکت هستند که کاسپی مختصری دارند. تجار این مملکت هم ملاک هستند و در واقع اهالی این مملکت را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد یکی آنهایی که از ملک گذران میکنند و اغلب در ولایات هستند چون ولایات مثل طهران نیست که در سال یا ماه بیک بودجه مکفی باشد که بیک اشخاصی در ادارات دولتی باشند و بیک پولی دریافت کنند و زندگی نمایند. هر کس سرمایه اش فلاح است و از آن راه امور خودش را اداره میکند و این قانون بر سرمایه آنها هم بیک شکست فوق العاده وارد میآورد. بواسطه اینکه آنها بیکه آنجاها هستند نمیتوانند از عایدات خود زندگی کنند و ممکن است بیک املاکی را بفروشند و با بیع بگذارند و زندگی کنند و اساساً قیمت ملک هم در تمام نقاط ایران ده مقابل نیست. بعضی جاها پنج مقابل است بعضی جاها هشت مقابل است و در بعضی جاها سه مقابل است و هیچ جا ده مقابل ملک معامله نمیشود و دولت در اینموقع که در عایدات مردم بیک بحرانی است بر سرمایه این مردم هم باینوسیله بیک بحرانی تولید میکند لهذا روی هم رفته با این شکلی که این لایحه تدوین شده بنده تصور نمیکنم برای هیچکس نفعی داشته باشد نه برای دولت که فروشنده است و نه برای مردم که بالاخره خرنده هستند باین دلایل بنده این عرایض را کردم.

بزرگی است که خودشان در مقابل دولت دولتمند و آنها قوه دولتمند و دولت روی اعتبار آن اشخاص زندگی میکند آنوقت میگویند یا در فلان کتاب اکنومی پلینیک مینویسد (انا نیسیم) خیلی بد است ولی این چه ربطی باینجا و وضعیت حاضر دارد؟! چه ربطی دارد به بیک مملکتی که ملاک جزء دارد و وقتی که گاوش میبرد پول ندارد گاو بخرد؟! بنده تصور نمیکنم که دولت معتقد به تئوری باشد که اصلاً عملی نیست. پس با این دلایلی که عرض کردم در آن نقطه نظر دوم هم هیچ وجه دولت صرفه نمیرد بلکه بیک ضرر فوق العاده دارد که بعدیشانی خواهد داشت اما در موضوع فروش خالصجات بکجا میگویند ده ساله بکجا میگویند پنج ساله بدون هیچ وثیقه و بالاخره اینها را هم موکول بیک نظامنامه نکرده است. فلان کس میبرد ده ساله پنجساله فلان ملک خالصه را میخرد ولی بعد معلوم نیست که دولت چه جور پولش را از این مردم وصول میکند و قطعاً میباید جزو مطالبات معوقه و بیک عده هم خودشان را آلوده میکنند. چون در مملکت ایران اکثر دیده میشود که بیک پیش بینی یا فکر آتی در معاملاتی که میکنند نیست مثل همان اشخاصی که در آن زمانها رفتند و بیک خالصجات انتقالی را خریدند و حالا باید دو مقابل سه مقابل عایدی آن ملک مالیات بدهند و هر روز هم مزاحم مالیه میشوند اینجا هم همانطور است: اشخاصی میروند ده ساله پنجساله اسنادی می سپارند و بعد میگویند نداریم یا داریم. چون اکثر اشخاصی که این املاک را میخرند خواهند گفت قیمتش که ارزان است و ما درین ده سال هم قیمت این ملک را از عایدات خودش تحصیل خواهیم کرد. باین خیال ملک را میخرند ولی بعد تصادف میکنند با آفت یا خیلی از قضائاتی که در این مملکت جاری است و پولش را نمیتوانند بدهند. آنوقت دولت چکار میکند با بیک مشت مردمی که آمده اند خودشان را آلوده کرده اند؟ فشار زیاد هم که بیاورد بیک مذاکرات و صحبتهایی میشود که بالمال اسباب زحمت مردم و دولت خواهد شد و بنده

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء و عده از آقایان:

امضاء کنندگان پیشنهاد مینمایند که خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش خالصجات از دستور امروز خارج شود.

ضیاء - میرممتاز - حشمتی - محمد علی نظام مانی - میرزا آقا - ثابت - ابراهیم آشتیانی. خلیل فهمی -

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - آقایان تصدیق میفرمایند که مایه نقد بلکه نقدترین سرمایه های ملی ایران املاک خالصه است. با توجه مختصری که از طرف افراد و ملت ایران باین سرمایه بشود از آبادترین املاک حاصل خیز مملکت ایران خواهد بود و موجب آبادی مملکت است. از سالیان دراز این املاک برای این ملت همینطور بذخیره مانده که روزی اسباب آبادی مملکت بشود و موجب تأمین سعادت این ملت قرار بگیرد. از روی همین نظر هم دولت در نظر گرفته است که املاک خالصه و جواهرات ملی بمصرف تأسیس بیک بانگی که برای سعادت ملت مفید است برسد لایحه اش را هم دولت تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی کرده و آن لایحه در کمیسیون قوانین مالیه تحت شور و مطالعه است ولی امروز لایحه فروش خالصه در دستور قرار گرفته حالا این قسمت که این لایحه بیک شور دارد یا دوشور بسته به تشخیص مقام ریاست است و البته نظرشان را خواهند فرمود ممکن است این لایحه تصویب بسود و لایحه تأسیس بانک بتعویق بیفتد. یعنی این وجوه جمع آوری بشود و مثل سایر وجوه و سرمایه های نقدی ملت که در بانکهای خارجه گذاشته شده است و اسباب کندی جریان امور اقتصادی شده است آن شکل بشود. ما بهترین دقتهایی که میتوانیم بکنیم این است که بیک ماده در این لایحه بگنجانیم که دولت نمیتواند عوائد حاصله از فروش خالصجات را بمصرف سایر مخارج مملکتی برساند. آنوقت دولت با وزارت مالیه موظف خواهد بود که هر چه بفروش برسد و هر چه عاید شد بیک بانگی بگنجد. در صورتیکه

همه گفتند. اغلب تجار هم به لسانهای مختلفه بیان کردند که بدترین چیزها برای فلج ساختن امور اقتصادی ملت این است که وجوه نقدیش در بکجائی محجر بماند. وجوه انحصاری نقد و چای اش بیک جائی محجر مانده و این قسمت باعث این شده است که جریان امور اقتصادی مملکت کند شده است

آقا سید یعقوب - ماده شصت و سه نظامنامه فراموش نشود -

ضیاء - پس اگر برای استحکام اساس این لایحه هم بیک ماده در اینجا بگنجانیم که وجوه حاصله را دولت باید در بکجائی مضبوط نگاه دارد بیک قسمت دیگر از سرمایه های نقدی ملت در بکجائی دیگر محجر خواهد ماند بنا بر این بنظر بنده و اغلب آقایان نمایندگان محترم که این پیشنهاد را امضاء کرده اند همچو رسید که صواب این است که فعلاً از دستور امروز خارج بشود تا لایحه تأسیس بانک هم که در کمیسیون قوانین مالیه مطرح شور است تمام بشود و راپورتش بمجلس تقدیم گردد و مجلس در این خصوص تصمیم بگیرد اول موضوع تأسیس بانک معین شود بعد موضوع فروش خالصجات و قسمت جواهرات ملی که باید سرمایه بانک ملی قرار بگیرد. این بود که ما اینطور پیشنهاد کردیم که فعلاً از دستور خارج شود.

مخبر - بنده خیال میکنم نماینده محترم این پیشنهاد را فرمودند که زودتر بتوانند دره تن لایحه صحبت کنند برای اینکه پیشنهاد ایشان راجع به خروج از دستور بود ولی در حقیقت مخالفت با لایحه کردند. فقط بنده بیک جمله از فرمایشات ایشان را جواب عرض میکنم که کم کم دارد املاک ما هم جزء انقیه جات میشود. مثل شمشیر نادری! یا سایر چیزها! خالصجات ملی! املاک ما هم دارد جزء انقیه جات؟ میشود که باید پشت آئینه بگذاریم و دست بآن زنیم برای اینکه برای ملت باقی بماند. اما راجع به خالصجات آنطوریکه حضرت

والا استدلال فرمودند خودشان فرمودند چهل میلیون . ولی بنده تصور میکنم همین چهل میلیون نروت ملت و همین آنتیقه جات عایدی که ندارد هیچ . ضرر هم دارد ! ما هم این آنتیقه جات را می خواهیم بصورت پول در بیاوریم و همان بانگی را که گفتند تاسیس کنیم رئیس -- رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(عده قیام نمودید)

رئیس -- تصویب نشد -- پیشنهاد آقای فیروزآبادی هم ضمناً رد شد .

فیروز آبادی -- بنده عرضی هم داشتم . اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس -- پیشنهاد جنابعالی که در ضمن آن پیشنهاد رد شد فرمایشاتتان هم در ضمن درج میشود . آقای بامداد بامداد -- تصور میکنم مشهودات خود آقایان نمایندگان که هر کدام در محل خودشان با اطراف طهران خالصجات را دیده اند که در مقدمه لایحه هم بآن مشهودات آقایان اشاره شده کافی است برای اینکه این نیت دولت استقبال بشود و املاک خالصه را بفروشیم . شاه ملکهای ایران خالصه است و همین شاه ملکها تمام خراب است . بعضی از نمایندگان (صحیح است) نه اینکه تنها این املاک خراب است . بلکه هر جا هم که بدبختانه همسایه ملک خالصه ملک دیگری است آنهم خراب است و هر چه همسایه التماس میکنند که بیایند این ملک را بمن بفروشید یا اجاره بدهید آنوقت در جریانات اداری میباید و بالاخره ملک بدر خراب میشود و آنوقت از یک انتفاعاتی هم عموم محروم هستند و هم آن مالک خصوصی حالاً ما میائیم برای یک معامله که داریم میکنیم ضرر و نفع را میسنجیم یک میلیون و دو بیست و چند هزار تومان در لایحه کلی که بما داده اند میگویند عایدی دارد . البته آقایان میدانند که هر مستأجری که خالصه را اجاره میکند نظرش به ندادن

و بازی در آوردن آخر است . میگویند آفت زده . آب ندادند ملخ خورده . آنوقت مفتش میفرستند رسیدگی کند کسی هم که میبرد رسیدگی کند معلوم است رسیدگی ها چطور است . آنوقت دوسیه های عایدی خالصه یعنی آن آخرین پول و جنسی که گرفته شده (نه آن اجاره نامها) آنها را هم سر هم بسنجیم شاید صد صد و پنجاه هزار تومان اگر در سال با جدیتی که حالا مالیه دارد عاید خزانه دولت بشود که اگر این املاک را ما بفروشیم (مطابق آن دقتهایی که کیسیون بودجه کرده است که حتی المقدور خریدار خورده مالک باشد و کسی که مالک است نخورد) مالیاتی که عاید دولت میشود بمقدار یکد الان عایدی از ملکش میگیرد آن مالیات زیاد تر است علاوه بر آبادی که این املاک پیدا خواهد کرد . بواسطه اینکه مالک خصوصی دلش بیشتر میسوزد . حضرت والا بعضی ابرادات در این قضیه داشتند . یکی اینکه از روی چه میزان فروش میشود . از کجا قیمت این املاک بیک میزان معینی درست میشود و بالاخره ضرر دولت است برای این که املاک خوب آباد دولت را بانی پولی مملکت بیش از ده یک نمیخرند و از آنطرف میفرمایند کی است که بخرد در صورتیکه همه کس میخورد برای اینکه ما تسهیلی کردیم و با قساط قرار دادیم از طرفی نفع دولت است برای اینکه ده یک میفروشد و از طرفی نفع ملت است برای اینکه در حقیقه مال الاجاره آنرا داده اند . اینکه میگویند مردم پول ندارند . این یک حرف کلی و عمومی است ولی تطبیق نمیشود کرد با وضع فررش خالصجات اولاً این پول زیاد لازم ندارد . فقط یک اعتباری میدهد که همین قدر مالیه مطمئن بشود که این پول را نمیخورد یا اگر هم بخورد ملک سر جایش هست . محظوری ندارد بعلاوه ششاه مهلت دادیم که درست مقدمات و اطراف قضیه را دقت بکنند . پول دولت سر جایش هست و همه هم میخرند . حتی زارعین هم بخردند ضرر نمیکنند . برای اینکه ملکی که الان هزار تومان قیمت دارد اقل در سال صد تومان عایدی خواهد داشت بجهت اینکه او دلش

میسوزد و خودش بیل میزند . نه مباشر میخواهد . نه سر مباشر . نه نحو بلدار . خودش کار میکند . اما اینکه حضرت والا فرمودند تصدی دولت خوب است و اینکه دولت زارع خوبی نیست در مملکت ما نیست و از مالک دیگر است . خیر . این بخصوص در مملکت ما است . برای اینکه خرابی خالصه مشهود است . هر ملک خورده مالک بهتر از ملک مالک خصوصی است و هر ملک خالصه خراب تر از ملک ملاکین خصوصی است . دولت یک چاروا داری کرد ما دیدیم راه رشت یک رفت و آمدی داشت . مردم تکلیفشان معلوم بود . بست هم سر وقت میرفت و مسافری هم آمد و رفت میکردند . دولت آمد از دست آن کسی که کنترات داشت گرفت و بدست خودش گرفت . راه زمین خورد پست بکجا بکجا نمیرسد خساراتی که بدولت وارد شده نمیدانم ولی میدانم دولت هر قدر از این تصدیهایی که حق ملت است بکند خوب از عهده بر نیاید برای اینکه آنقدری که کسی دلش بحال خودش میسوزد بحال دیگری نمیسوزد ولو دولت فرشته هم باشد . پول را چه قسم در یافت میدارند ؟ مربوط باین لایحه نیست . مالیه باین سخت گیری البته مطابق نظاماتش بطوری قرار خواهد داد . اما تفاوت ده قسط و پنج قسط : این را ماده قسط قرار داده ایم برای تسهیل زارعین و ابلانی که تحت قاپو میشوند چون آنها پول نقد ندارند و برای اینکه میخواهیم بانها برسد و خورده مالک زیاد شود گفتیم ده قسط بدهند و پنج قسط را برای کسانی قرار دادیم که مالک هستند و چند بار چه ملک دارند و میخواهند با مالک خودشان اضافه بکنند . فقط چیزی را که از فرمایش حضرت والا تصدیق دارم بحران اقتصادی ملاکین است . این را تصدیق دارم که بحران اقتصادی در ملکشان و بعد هادر زراعتشان حاصل میشود برای اینکه وقتی املاک به خورده مالک رسید زیاد تر کار میکنند و عایدیشان هم زیاد تر میشود . اما املاک آقایان بهمان حال سابق خواهد ماند چون در خانه نشسته اند و میخواهند دیگری کار بکنند

اینطور میشود . ما هم همین را میخواهیم این را تصدیق میکنم که برای ملاکین بحران اقتصادی است . اما برای مملکت و رفاه عموم فوق العاده خوب است . بنا بر این بنده یکی از اقدامات خوب دولت را فروش خالصجات میدانم مشروط بر اینکه پولش هم داخل بانک فلاحه بشود و باین پول هم املاک آباد تر میشود و ملک هم از این جیب بیرون میآید و بآن جیب میرود . هیچ جا نمیرود چون ملک غیر از جواهرات است . املاک هیچ جا نمیرود و ما دارای یک بانکی خواهیم شد که بیشتر بزراعت کمک میکند .

رئیس -- آقای عامری سلطان محمد خان عامری -- یک قسمت از مسائلی که بنده در نظر داشتم عرض کنم آقای سالار لشکر بعرض آقایان رسانند و جوابهایی هم که آقای بامداد دادند و دلایلی هم که فرمودند بنظر بنده بر علیه عقیده بود که اظهار فرمودند . البته باید تصدیق کرد که یکی از ثروتهای ثابت مملکت ما که در دوره های فترت و انقلابات و یک تغییراتی که در ظرف این صد و پنجاه سال اخیر اتفاق افتاده باقی مانده خالصجات مملکت است و وظیفه ما که اینجا نشسته ایم این است که این دارائی مملکت را حفظ کنیم مگر اینکه بتوانیم اینها را تبدیل بکنیم بیک دارائی دیگری که از حیث قیمت و عایدات سنواتی و مفید بودن بحال عامه لا اقل با خالصجات برابر باشد . بنظر بنده این لایحه که امروز از نظر آقایان میگذرد دارای هیچ یک از این شرایط نیست بلکه مثل این است که ما از یک چیزی به تنگ آمده باشیم و بخوایم هر قسمی باشد از چنگال آن خلاص شویم . بنده عرض میکنم که بایستی دید که به چه جهت میخواهیم خالصجات را بفروشیم ؟ مطابق این لایحه آقایان معتقدند که بچهار دلیل باید خالصجات را فروخت . اول برای اینکه ضرر خالصجات بیش از نفع آنست و در ظرف سال دولت باید اقل صد و پنجاه هزار تومان بعقیده آقای شیروانی روی منافع خالصجات

بگذارد و خرج آنها بکند و بعقیده بعضی از آقایان در سال پیش از صد و پنجاه هزار تومان فایده ندارد دلیل دوم این است که خالصجات خراب و املاک اربانی آباد است. دلیل سوم این است که میگویند این خالصجات را میخواهیم بدهاقین وزارعین برسد. دلیل چهارم این است که یک سرمایه از فروش خالصجات میخواهند بدست بیاورند که بمصرف تأسیس يك بانک فلاحی یا بانک ملی برسانند البته این دلایل را آقای شیروانی قسمی تنظیم فرموده اند که آن نتیجه مساعدی را که در نظر داشته اند بگیرند ولی وقتی که وارد میشویم به تشخیص هر يك از اینها ملاحظه میکنیم اینطور نیست. اولاً اینکه میفرمایند خالصجات در ظرف سال صد و پنجاه الی دویست هزار تومان ضرر وارد میآورد و بایستی از سایر منابع روی آن بگذاریم این طور نیست بنده مطابق اطلاعی که تحصیل کرده ام عایدات خالصجات يك میلیون و صد و پنجاه الی دویست هزار تومان است و مخارجی هم که میشود حداکثرش سیصد و پنجاه هزار تومان است بنا بر این ما در سال هفتصد الی هشتصد و پنجاه هزار تومان از این راه عایدات داریم. اما اینکه میفرمایند املاک خالصه خراب است و املاک اربانی آباد است. بنظر بنده این هم يك قانون کلی نیست. بنده تحقیقاتی کردم چه از داخله وزارت مالیه و چه از رعایا و چه از نمایندگان محترمی که در اینجا هستند و اطلاع دارند از وضعیت خالصجات. مثلاً خالصجات اطراف طهران که قسمت عمده خالصجات مملکتی را تشکیل میدهد اینها نسبت با املاک اربانی که مجاور آنها هستند بمراقب آبادتر است. وضعیت رعایای آنها هم بهتر است از جمله اشخاصی که این مسئله را تأیید میکنند آقای میرزا بدالله خان نظامی هستند که بدون تردید اطلاع ایشان در خالصجات اطراف طهران مفید و صحیح است. اما مسئله سوم که میگویند میخواهیم خالصجات را بین رعایا تقسیم کنیم این ترتیبی که این لایحه تنظیم شده است برعیت وجهاً من الوجوه سهمی از

قیمت املاک قرار دهند و باین ترتیب قیمت خالصجات تمام ایران بحساب آقای بامداد يك میلیون و پانصد هزار تومان میشود و آرا هم در ظرف ده سال باید بگیرند آنوقت در آخر ده سال ملاحظه خواهید فرمود که يك مشت اسناد برای دولت باقی میماند و فقط يك دعاوی بريك عده پیدا خواهد کرد و وجهان الوجوه سرمایه هم جمع نشده و پولی تهیه نشده و وجهی در کار نبوده است و فقط چیزیکه برای ما باقی میماند همان مظالمه است که بگردن بنده و سایر آقایان که رای میدهیم باقی خواهد ماند

مخبر - راجع بمخالفت آقای عامری بنده نمیتوانم این را حدس بزنم ولی میتوانم عرض کنم که مخالفت حضرتعالی شاید برای این بود که خواستند قیافه مجلس را ببینند چطور است. یعنی نسبت باین لایحه در میان تمام دستجات پارلمانی موافقینش زیادتر است یا مخالفینش مسائل بدهی را البته انکار نمیتوان کرد و بطور کلی و حساب نکرده نمیشود بطور تخمین يك حرفهائی زد مثلاً فرمودند این املاک ثروت دولت است یا بقول ایشان (آقای ضیاء) ثروت ملی است و حالا نباید اینها را آتش بزنیم بعقیده بنده هر کلاً میتوان گفت ولی باید دید این حرفهائی که گفته میشود آیا واقعاً مطابق با واقع است یا نه؟ اولاً در قسمت خالصجات برای دولت و مملکت و بالتبعیجه برای ملت و عامه مردم بنده اساساً وقتی که خزانه دولت راجع بیک چیزی يك ضرر فاحشی دارد آن ضرر را بالاخره منتهی برعیت میدانم یعنی بالاخره این ضرر و کسر از آن رعیت بدبخت گرفته میشود و همان رعیت ضعیف بدبختی را که میفرمایند جای آن ضرر را بر میکنند!! فرمودند هفتصد هزار تومان یا هشتصد هزار تومان این خالصجات عایدی دارد!! در بودجه که بتازگی وارد مجلس شده درشت ترین اقلامی که تا امروز جزء عواید پیش بینی شده از بابت خالصجات تقدیم مجلس شده است يك میلیون و دویست هزار تومان است که در این منظور شده در صفحه يك و دو ولی وقتی که در قسمت مخارج داخل میشویم می بینیم هشتصد

و پنجاه هزار تومان در مقابلش مخارج انتفاعی را نوشته و منظور داشته اند. قسمت الف - هیئت رسیدگی بدعاوی صد و سی و دو هزار قران. بودجه ضراب خانه يك میلیون و دویست و پنجاه هزار قران این مبلغ را وقتی که از این هشتصد و پنجاه هزار تومان موضوع میکنیم تقریباً هفتصد هزار و کسری عایدی خالصجات میشود.

حالا اگر وارد شویم در موضوع خرج اداره خالصجات در آنجا می بینیم چه خبر است آقایان ناچار اداره خالصجات تشریف برده اند و میدانند بنده خودم يك گرفتاری پیدا کردم یعنی يك ملك مردم را بعنوان خالصه بزور گرفته بودند که این هم بعقیده بنده یکی از ضررهای این اداره است. بنده دیدم باین. بالا، این اطاق، آن اطاق، بقدری این اداره بزرگ و دائرش وسیع است که نك وزارت مالیه را تشکیل میدهد و چندین مدیر کل و معاونهای متعدد دارد که از سیصد تومان حقوق میگیرند تا برسد به سی و دو تومان که کترین حقوق ثبات است. این حالا مال اداره مرکزی است و مطابق وضعیت مالیه در هر شهر و قصبه که يك وجب خالصه در آنجا است يك تشکیلاتی در آنجاهاست مثلاً در اصفهان شاید روی همرفته دولت پنجاه هزار تومان خالصه ندارد ولی يك شعبه اداره خالصه در آنجا است! برای اینکه چند وجب با چند جریب زمینی از مردم بعنوان خالصه گرفته اند و برای این يك تشکیلاتی درست کرده اند و يك مخارجی تحمیل خزانه دولت می شود. بنده معتقدم که اگر ما يك قلم در دست بگیریم (چنانچه بزودی در کمیسیون بودجه این قلم را بدست خواهیم گرفت و مشغول خواهیم شد) و دولت را مجبور کنیم که صورت اجزاء و اعضاء خود را که در این اداره دارد با رتبه و حقوقهای آنها بکمیسیون بیاورد امیدوارم برای اواخر شور این لایحه آن صورت را بیاورم بمجلس تا از روی آن صورت ثابت کنم که بقیه این يك میلیون و دویست هزار تومان هم صرف این اعضاء و اجزا میشود. پس بنده درجائی وجه تقدیمی

هم بعقیده بنده این خالصجات ضرر دارد. و بعقیده بنده بهترین قدمی که مجلس بر میدارد همین رفع شر و درد سر این خالصه است که حقیقهٔ يك شری شده و با این اقدام رفع این شر خواهد شد. اما اینکه فرمودند خالصجات آباد است! این را بنده نمیتوانم چه جور جواب بدهم! برای اینکه در تمام بلاد ایران وقتی که میخواهند یکجائی را بخیرانی مثل بزند میگویند مثل ملك وقتی با خالصه است. و این در واقع ضرب المثل شده بهترین املاك و بقول آقای نامداد شاه ملك زین املاك این مملکت خالصه است ولی در عین حال خرابترین املاك است دلیلش هم همان است که خود حضرت والا فرمودند. شاید تصدیق کنیم که این املاك در باطن چهل میلیون قیمت دارد ولی حقیقهٔ ندارد برای اینکه قیمت ملك از روی عایدی است و امروزه این املاك خالصه بواسطهٔ خرابی عایدی ندارد و از این جهت آن قیمتی را هم که در نظر دارند این املاك ندارد. حالا اگر بتوانیم يك عده را برای آبادی و اداره کردن این املاك جلب کنیم آن يك موضوع دیگری است. ولی فعلاً وضعیت ازین قرار است که ملاحظه میفرمائید. اما در قسمت بانك این کله را آقایان همینطور شل گرفته و ول کردند البته زبردستی در بیابان هم همین است که جاهای حساس مطلب را ول کنند و بگذرند. در صورتیکه همه حرفها بر سر این قضیه است در این مملکت ما که همه ایرانی هستیم. و هر ایرانی وطن پرستی امروزه معتقد است که در اولین درجهٔ اصلاحات اقتصادی ایجاد بانك است و هر روز که در این کار تأخیر شود بهمان اندازه عایدی يك بانك خارجی که در اینجا هست زیاد تر خواهد شد و از فواید اقتصادی ما کاسته میشود. بالاخره شما اگر در نتیجه اجرای قانون نظام اجباری دارای يك قشون زیادی شوید و در نتیجه سایر اصلاحات اقتصادی تولید ثروت بکنید تا بانك تأسیس نکنید بهمان نسبت تأخیر بانك از مملکت شما پول بیرون خواهد رفت. و علاج این کار فقط تأسیس بانك است که ما در نظر

نمی بینم که عاید دولت شود و این خالصجات اگر برای دولت ضرر نداشته باشد منفعت هم ندارد بلکه بعقیده بنده ضرر هم دارد برای اینکه يك میلیون و کسری را که ما میگیریم در مقابلش هم همین میزان خرج می کنیم بنده و آقای عامری اگر برویم در ادارهٔ خالصه و دوسیه هارا باز کنیم می بینیم که غالباً این عایدی هم اسناد مساعده است که يك دینار آن وصول نخواهد شد و بنده حاضر نشان بدهم که نصف این يك میلیون و دویست هزار تومان اسنادی است که برای دولت تهیه شده و وجه نقدی در کار نیست بنابراین از نقطهٔ نظر دولت هم وجود این خالصجات مضر است. اما از نقطهٔ نظر مملکت آقایان خوب مستحضرد که یکی از فریادهای آقایان و کلاً همیشه در موقع افتتاح جلسه شکایت از مأمورین مالیه مخصوصاً از مأمورین خالصجات که يك ورق پاره در دست میگیرند و بموجب آن املاك شخصی مردم را میخواهند بعنوان خالصه از انتفاع بیندازند. حقیقهٔ در این مملکت با این عمل اداره خالصه اعتبار مملکت دارد محو میشود و ادارهٔ خالصه اعتبار مملکت را از بین برده!! زیرا بعنوان خالصه بودن هر کس هر چه دارد دولت ضبط میکنند و کم کم کسی در این مملکت دارای ملك نخواهد بود! تقریباً اگر يك صورت میز و صندلی بوضعیت سابق یعنی بدورهٔ ناصری اضافه میکنیم تقریباً مثل حالا خواهد شد در آن دوره مردم در خانه شان نشسته بودند و يك دفعه مأمورین دولت می آمدند و فلان ده ارباب را خالصه میکردند منتهی آنوقت بموجب فرمان پادشاه این کار میشد ولی امروز با دست بکنفر ثبات میشود و دیگر نمیشود ناسخ آن را صادر کرد!! مسئلهٔ خالصجات اعتبارات مملکت را از بین برده. بیچاره صاحب ملك در آن اوقات باید بمرکز بیاید و شاید ده سال در اینجا مجبور بود بجاود و پیشکشی بدهد تا دوسریه يك فرمانی صادر بکنند ولی امروز آن هم ممکن نیست. پس از نقطهٔ نظر اعتبارات مملکتی

گرفته ایم و لازم میدانیم هر چه زود تر این بانك تأسیس شود و گمان نمیکنم هیچ ایرانی وجود داشته باشد که در درجه اول اصلاحات تأسیس بانك را قائل نباشد بانك هم درست نمیشود مگر با داشتن سرمایه. ما هم آمده ایم برای سرمایه محل پیدا کرده ایم و در بین تمام اتیقه حائمان اول خالصجات و بعد یکمقدار جواهرات را کدهمان را که يك قسمتش دارد فاسد میشود و از بین میرود و قسمت دیگر آن جواهرات هم پس از تکمیل جواهر مصنوعی که الان در دنیا در دست عمل است و بعد آن هم از بین خواهد رفت پیدا کرده ایم غرض این است که ما خواستیم يك بانگی که بالنسبه سرمایه اش کافی باشد و بتواند در مقابل بانگهای خارجه نا اندازه رقابت کند تأسیس کنیم و در صدد بر آمده ایم این سرمایه را از این محل فروش خالصجات تهیه کنیم. حالا اگر شما میخواهید این سرمایه ملی و این ثروت دولتی و این افتخارات تاریخی را حفظ کنید و نگاهدارید خوبست يك محل دیگری را برای تأسیس بانك در نظر بگیرید و بما بگوئید. شما اگر بتوانید از یکجای دیگری پول تهیه کنید آنوقت بنده هم تصدیق میکنم که این افتخارات تاریخی و ثروت ملی همینطور بماند و هر ساله هم دولت مبلغی رویش بگذارد و ضرر بدهد ولی چون محل دیگری برای تأسیس این بانك فعلاً موجود نیست که بتواند برای ما تهیه پول کند بنا بر این در صدد بر آمدیم که یکی از مفاخر خودمان را بفروشیم و صرف این کار کنیم و با اصلاحات اقتصادی دست بزنیم - زیرا در دنیای متمدن امروزه اصلاحات اقتصادی بیشتر جزء مفاخر محسوب است و خوبست اجازه بدهید ما هم این مفاخر کهنه را بفروشیم و مفاخر تازه از قبیل راه آهن و تأسیس بانك و استخراج معادن و نطف و بالاخره این چیزهایی که در دنیای امروز جزو مفاخر است تأسیس و ایجاد کنیم زیرا بشر امروز اینها را جزو مفاخر تاریخی خود میداند اما اینکه فرمودند از کدام محل پولش را میدهند این واضح است - از همان محل خودش. بالاخره ما حد

متوسط عایدات را میزان قرار داده ایم و ده برابر کرده ایم و ده ساله هم مدت و مهلت قرار داده ایم که در این مدت پول ملك را از عایدی خود ملك بدهند و با آن بانك تأسیس کنیم آنکسی هم که میخورد در ظرف ده سال پولش را میدهد و خودش هم دارای يك ملكی خواهد شد و این طرز خیلی آسان است. و اگر بفرمائید ایشان این املاك چهل میلیون ارزش داشته باشد در سال چهار میابون عایدی دارد و معادل همین مبلغی که خیال میکنید حالا عایدی دارد از راه مالیات این املاك برای دولت فایده و عایدی خواهد داشت منتهی ملك هم در دست یکمده مردم که خودشان مراقبت میکنند آباد میشود و خیلی خوب است و اینکه مخصوصاً بعضی از آقایان فرمودند ثروت ملی و بعضی دیگر اظهار داشتند ثروت دولتی از دست ما میرود هیچ اینطور نیست -

اولاً بنده میخواهم آقای عامری را که از اشخاص تحصیل کرده هستند تذکر بدهم که يك مشت زمین بابر و بقول خودشان زمین خراب را نمیشود اسمش را ثروت گذاشت و بنده عرض میکنم حتی امروزه در دنیا ملك آباد را هم نمیتوان ثروت اسم گذاشت - شاید علمای ثروت سابقاً که تعریف ثروت را میکردند ملك را آنهم از نقطهٔ نظر عایدی جزو ثروت حساب میکردند آنهم نسبت بحلی که واقع شده بود در آخرین درجه ممکن بود چنین ملكی را جزو ثروت حساب کرد - ولی بطور کلی امروزه ثروت آن چیزی است که تولید ثروت میکند و اتفاقاً این ملك که بنظر شما ثروت است تولید ضرر میکند - اما اینکه فرمودید از دست میرود - بنده نمیدانم چطور از دست میرود بقین داشته باشید که جائی نمیرود و سرجای خودش هست از این جیب مان در می آید و به جیب دیگر میرود بهر حال جائی نمیرود - خلاصه اینکه تصدیق بفرمائید که دولت رو به مرگ فلاح خوبی نیست - ناچار خوبی نیست حمل و نقل چي خوبی نیست و همهٔ اینها را در عمل میبینیم و هر روز هم نمایندگان دولت و آقایان وزراء در معرض

جواب آقایان وکلا واقع میشوند و همه این سؤالات راجع بهمین چیزها است - بالاخره در نتیجه عمل ثابت شده است که دولت نمیتواند این املاک را اداره کند و اگر در دست دولت باشد وضعیت از همین قرار است که ملاحظه میفرمائید - فرضاً که تصور میفرمائید چهل میلیون قیمت دارد بعد از چند سال دیگر تقریباً بقدر همین عایدی که امروزه دارد شما صد سه و نیم مالیات از همین املاک خواهید گرفت - خوب است حساب مالیاتش را هم بفرمائید در هر حال دولت چیزی کم نکرده و از دست نداده و این املاک در دست اشخاصی رفته که بهتر میتوانند این املاک را اداره کنند و همین مبلغها بدولت مالیات می دهند - و اما در قسمت توزیع این املاک بین رعایا این يك عقیده است که بنده تصور می کنم در مجلس طرفدار زیاد دارد و اگر ما بتوانیم این عقیده را بصورت عمل و اجرا در آوریم تصور میکنم بهترین عقاید است فرمودند رعایا نمی فهمند و ملتفت نمیشوند که بیایند و بخرند - بعقیده بنده برای این مرض باید دوای دیگری پیدا کرد تا بفهمند و بیایند و بخرند برای اینکار باید فکر دیگری کرد - زیرا بواسطه همین نفهمیدن خیلی ضررها است که متوجه رعیت میشود و منحصر بهمین نیست چون نمی فهمد قسمت اعظم مالیات را می پردازد و از هر طبقه و دسته هم نوسری میخورد. جور بنده و آقا را هم میکشد و بفرمایش آقای عامری جور وکلای اشراف ماب را هم بردوش میکشد و متحمل میشود. تمام اینها برای این است که آن بیچاره نمی فهمد و بنده تصدیق میکنم که او بواسطه نفهمیدن همیشه عقب است ولی دوای این درد غیر از این است که ما خالصجات را نفروسیم این ربطی بفروش خالصجات ندارد. حضرت والا خوب است در املاک خودشان مدرسه دائر کنند و بدولت هم فشار بیاورند که تعلیمات عمومی را در همه جا دایر کنند تا رعایا بفهمند. در این صورت پس از آنکه فهمیدند اگر فرضاً املاک خالصه در دست بنده با حضرت والا بود خودشان میگرفتند و حق خودشان را مسترد میدارند. بالاخره حفظ حقوق او موکول بر این است که فهم برایش ایجاد کنیم. اما در این

لابحه حضرت والا یا سایر آقایان که دارای عقیده مخالف هستند هر چه بنظرشان میرسد که خوب تر و عملی تر و مفید تر باشد خوبست پیشنهاد کنند ما هم در کمیسیون نحت شور و مطالعه قرار میدهیم. صاحبان پیشنهادها هم بر طبق نظامنامه ممکن است تشریف بیاورند بکمیسیون و توضیحات لازم را در آنجا بدهند تا بالاخره يك راه عملی تر پیدا بکنیم. و البته هر راه خوبی که پیدا شود بنده و سایر آقایان حاضریم با آن موافقت کنیم. عقیده کمیسیون این بوده است که يك حق تقدیمی برای زارعین قائل شوند و همینطور برای ایلاتی که تحت قاپو میشوند قائل شوند و يك تسهیلاتی برای آنها فراهم شود این حق تقدم پیش بینی شده و دو ماه هم فرصت داده ایم که مخصوصاً باین طبقه اعلان کنند و بگویند که شما حق تقدم دارید اگر توانستیم در کله شان فرو کنیم که بیایند و بخرند زهی سعادت و منتهی آمال ما هم همین است که اول آنها بیایند و بخرند در هر حال این بهترین طریقی است که در نظر گرفته شده و بنده خیال نمی کنم مخالفی داشته باشد - بهر صورت ماده میاید بکمیسیون و در آنجا مذاکره می شود و هر راهی که بهتر بود قبول میشود اما اینکه فرمودند دولت چطور پولش را وصول میکند این اشکالی ندارد زیرا دولت هر وقت دید که میخواهند برایش بازي در بیاورند فوری ملکش را ضبط می کند. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. آقاسید یعقوب - بنده مخالفم با ختم مذاکرات. رئیس - اصلاً پیشنهاد ختم جلسه شده است جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس - قبل از تعیین دستور جلسه آنیه لازم است عرض کنم. راجع بقانون چهار دوازدهم بودجه باز يك نفر از آقایان بجای يك ورقه دو ورقه سفید داده است يك رأی کسر میشود. جلسه آنیه روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر. دستور بقیه دستور امروز (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

اجازه پرداخت $\frac{4}{11}$ بودجه مصوب ۱۳۰۴ بابت مخارج مملکتی در چهارماهه آخر ۱۳۰۵

مصوب ۲۹ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است کلیه مخارج مملکتی را بابت چهارماهه آخر سنه ۱۳۰۵ اعم از حقوق و شهریه و مستمری و مصارف و حقوق منتظرین خدمت در حدود $\frac{4}{11}$ و بر طبق مواز بودجه مصوب ۱۳۰۴ کارسازی نماید

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ۲۹ آذرماه یکهزار و سیصد و پنجاه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی
سید محمد تدین